

مجله‌ی مطالعات ایرانی

مرکز تحقیقات فرهنگ و زبان‌های ایرانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال سوم، شماره‌ی ششم، پاییز ۱۳۸۳

بررسی متن پهلوی روایات آذرفرنیغ فرخزادان^{*} (علمی-پژوهشی)

دکتر گلناز قلعه‌خانی
استادیار دانشگاه شیراز
سیند مهدی فاطمنی
کارشناس ارشد

چکیده

موضوع این مقاله بررسی متنی است به زبان پارسی میانه به نام «روایات آذرفرنیغ فرخزادان»، این کتاب مشتمل بر ۱۴۷ پرسش و پاسخ است که زردشتیان آن زمان از هیربید آذرفرنیغ پیشوای خود پرسیده‌اند. این اثر شامل پرسش‌هایی درباره‌ی ازدواج، فرزند خواندگی، حضانت، ارشاد، طهارت و نجاست، گرویدن زردشتیان به اسلام و تبعات آن، زنا با کافر، گناه و ثواب، آیین‌های دینی، بخشش، سوگند و توسل به آزمایش دینی، وام و گرو، نیستن کستی، خیرات، جنگ و خربید می‌از ترسایان می‌باشد. نویسنده‌ی کتاب پیشوای زردشتیان پارسی بوده و در سده‌ی دوم و سوم هجری در دوران خلافت مأمون عباسی (۲۱۸-۱۹۸هـ) می‌زیسته است و آثاری از او به زبان پارسی میانه به جای مانده است. اصطلاحات حقوقی و دینی فراوانی در آن به کار رفته و از این نظر اهمیت دارد.

این کتاب را دانشمند پارسی هندی، بهرام گور انگلستانی، در سال ۱۹۶۹ میلادی در بمبئی به انگلیسی ترجمه کرده و همراه با متن تصحیح شده‌ی پهلوی و اوانویسی منتشر کرده است. اما تاکنون به زبان فارسی ترجمه و منتشر نشده است.

واژگان کلیدی

پارسی میانه، آذر فرنینغ فرخزادان، دینکرد، روایات امیداشه و هشتان، ازدواج، اوث، غسل.

۱- مقدمه

آثار بازمانده‌ی زبان فارسی میانه را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد^(۱): آثار متعلق به پیش از اسلام که شامل: کتبه‌های شاهان ساسانی و بزرگان آن زمان، سکه‌ها، سفال، پوست و نیز پایپروس نوشته‌هایی است که در مصر پیدا شده‌اند. بیشتر این آثار به خط کتبه‌ای و برخی نیز به خط کتابی یا تحریری نوشته شده‌اند. همچنین، آثار مانوی به خط ویژه‌ی مانویان که متعلق به پیروان مانی می‌باشدند. همچنین، بخشی از کتاب زبور حضرت داود به زبان پهلوی و به خط زبوری و چند اثر زرده‌ستی نیز که به خط کتابی نوشته شده‌اند که متعلق به دوره‌ی پیش از اسلام هستند و برخی از این آثار احتمالاً پس از اسلام دستکاری شده‌اند، مانند کارنامه‌ی اردشیر بابکان، کتاب «دادستان مینوی خرد» یا عقاید روح خرد و گزارش شترنج و برخی از اندرزنانمه‌های زرده‌ستی که منسوب به بزرگان دوران ساسانی هستند.

آثار متعلق به پس از اسلام که به خط پهلوی کتابی نوشته شده و مربوط به دین زرده‌ستی است. برخی از این آثار در دوره‌ی ساسانیان نوشته شده و پس از اسلام دستکاری یا تکمیل شده‌اند. مهمترین این آثار که در سده‌ی سوم هجری و در زمان خلافت عباسیان یا دوره‌ی حکومت مأمون نوشته شده‌اند، عبارتند از: دینکرد، زند اوستا، بندهش، گزیده‌های زادسپرم، دادستان دینی، نامه‌های منوچهر، روایات پهلوی، پرسشنیه‌ها، شایست نشایست، روایت امیداشه و هشتان،

روایات فرنینغ سروش، و جرکرد دینی، شکنده‌گما نیک وزار، پسر آزومند دانش یا پس دانش کامگ، مادیسان گجستگ ابالیش، ارداویراف نامه، زند بهمن یسن، مینوی خرد، روایات آذر فرنینغ فرخزادان.

موضوع این مقاله بررسی متن روایات آذر فرنینغ فرخزادان است.

آذر فرنینغ پور فرخزاد^(۲) پیشوای زرده‌ستان پارس بوده، در سده‌ی دوم و سوم هجری می‌زیسته است. از او آثاری چند به زبان پارسی میانه به جای مانده است. کتاب دینکرد و روایات آذر فرنینغ و اندرزنامه‌ای منسوب به او موجود است. همچنین، شرح مباحثه‌ی فلسفی او با فردی به نام «ابالیش» در حضور مأمون، خلیفه‌ی عباسی، در دسترس است.

تاریخ نگارش روایات آذر فرنینغ فرخزادان در خود کتاب نیامده است. اما با استناد به مدارک موجود و علم به اینکه مؤلف این اثر در سده‌ی دوم و سوم هجری می‌زیسته، احتمالاً این اثر متعلق به همین دوره است. اگر بخواهیم تاریخ دقیق‌تری را تخمین بزنیم، با توجه به مقدمه‌ی متن حاضر که مقام دینی نویسنده هیربد ذکر شده و مقایسه‌ی آن با رساله‌ی گجستگ ابالیش که مقام دینی آذر فرنینغ موبد عنوان شده و با توجه به اینکه مقام موبدی در سلسله مراتب روحانیت زرده‌ستی بالاتر از مقام هیربدی است، از این رو می‌توان حدس زد که کتاب حاضر پیش از رساله‌ی گجسته ابالیش به نگارش درآمده، پژوهندگان، تاریخ نگارش این رساله را در اوایل حکومت مأمون ذکر نموده‌اند. از جمله صادق هدایت^(۳) معتقد است این مناظره احتمالاً در سال ۲۰۲ هجری انجام گرفته، اما به نظر نگارنده، این تخمین درست نیست، زیرا بر اساس تاریخ تغییر اسلامی، مأمون در سال ۲۰۴ هجری پایتخت خویش را از خراسان به بغداد منتقل کرد و در خود رساله‌ی گجسته ابالیش تصریح شده که این مناظره در شهر بغداد انجام گرفته. بنابراین، رساله‌ی گجسته ابالیش احتمالاً ۲۰۴-۲۱۸ هـ حق نوشته شده و روایات آذر فرنینغ پیش از این تاریخ نوشته شده و از ۲۱۸ هجری متأخرer نیست.^(۴)

۲- ویژگی‌های نوشتاری کتاب

سبک نگارش کتاب حاضر ساده و روان و بسیار یاریه است. مسلمانًا هدف گردآورنده نیز تألیف اثری ادبی نبوده، بلکه آن را برای عموم مردم نوشته و به پرسشنامه‌های آن‌ها پاسخ داده است. بنابراین، سبک نگارش اثر به زبان گفتار نزدیک و اغلب جمله‌ها کوتاه و کم ابهام است. نویسنده از آوردن جمله‌های بلند و مرتب معقولاً پرهیز کرده است. اصطلاحات و واژه‌های حقوقی و فقهی متعددی در این اثر به کار رفته و چون پرسش‌ها درباره‌ی مسایل مختلف است، واژگان آن نیز متنوع هستند.

در این کتاب املالهای تازه‌ای از واژگان شناخته شده‌ی فارسی میانه آمده که نشانه‌ی تحول زبان در زمان نگارش این اثر بوده است و خود دلیل دیگری است که زبان فارسی میانه در سده‌ی دوم و چهارم هجری هنوز رایج و زنده بوده و برخلاف ادعای برخی از پژوهشگران است که مدعی‌اند این زبان در سده‌ی سوم و چهارم هجری دیگر زبانی زنده نبوده است. با پژوهش این اثر متوجه می‌شویم که اثر حاضر به زبان زنده و رایج مردم آن روزگار نوشته شده و املالهای تازه نشان دهنده‌ی تحول طبیعی زبان در آن زمان است و برای نمونه واژه‌ی *gyāg*^(۵) به معنی جای در این متن هم به صورت اصلی کهن و هم به صورت املای تازه آن یعنی *jāz*^(۶) آمده است و نشان می‌دهد که در زمان نگارش این اثر واژه *jāz* تلفظ می‌شده نه *gyāg* و نیز بسیاری از هزووارش‌ها به جای یکدیگر به کار رفته‌اند که خود نشانگر این حقیقت است که تلفظ این واژه‌های متفاوت در زمان نگارش اثر ناهمگون بوده است، برای نمونه در کتاب هزووارش^(۷) KN که تلفظ آن در متون مانوی *hā* می‌باشد و معنی آن «چنین، بنابراین و شاید» است، به جای هزووارش *hā*^(۸) که در فارسی میانه *hā* می‌باشد و حرف اضافه و به معنی «به و در و ...» است، به کار رفته است. یا دو هزووارش دیگر یعنی *HNA*^(۹) که تلفظ آن در متون مانوی *ēb* به معنی «در این» و *HD* که تلفظ آن در متون مانوی *ēw* به معنی «ی» و نیز واژه‌ی فارسی میانه *ē*^(۱۰) که در متون مانوی به صورت *hēb* آمده و پیشوای فعلی و معنی تأکید و امر از آن مفهوم می‌گردد، همگی به جای هم به کار

رفته‌اند که نشان می‌دهد در زمان نگارش تلفظ هر سه واژه یکسان بوده است و هر سه ۶ تلفظ می‌شده‌اند. در این کتاب واژه‌های دیگری هم به این صورت به کار رفته‌اند که بررسی آن‌ها احتیاج به پژوهشی دقیق‌تر دارد. از نظر دستوری در این اثر افعال همگی درست صرف شده‌اند و گاه اگر شناسه‌ای به غلط صرف شده، احتمالاً کار کاتبان بی‌دققت بوده است. همچنین، افعال متعددی همگی درست صرف شده‌اند. اما واژه‌ی *uya*^(۱۲) که برابر با «را» در فارسی دری است، در یکی دو مورد به عنوان نشانه‌ی مفعول صریح نیز به کار رفته که این خود باز هم نمایانگر تحول زبان در آن دوره است. اما این کاربرد در متن حاضر تعمیم نیافته است و می‌تواند خطایی از سوی کاتبان بعدی باشد. به هر حال، اثبات این نظر امکان پذیر نیست. در این اثر نیز گاهی واژه‌ی *be pad*^(۱۳) به جای *be* یعنی حرف اضافه به کار رفته که باز هم نشان دهنده‌ی تحول دستوری زبان در آن روزگار است.

نسخه‌های موجود از این کتاب بسیار متاخرند. دو نسخه به نام‌های TD2 و G متن حاضر و کتاب روایات امید اشه و هشتان^(۱۴) را دربرمی‌گیرند و احتمالاً در اواخر قرن یازدهم و اوایل قرن شانزدهم میلادی نوشته شده‌اند.

این اثر تاکنون به فارسی ترجمه نشده است و تنها انکلساپیا آن را در سال ۱۹۶۹ میلادی در بمبئی به زبان انگلیسی ترجمه و منتشر کرده است. مطالب این کتاب را متون حقوقی و فقهی تشکیل می‌دهد. در ایران در این زمینه کمتر پژوهش و بررسی علمی انجام گرفته و بیشتر به متون ادبی و یا اندرزی و اساطیری فارسی میانه توجه شده است. البته این کتاب را می‌توان از جنبه‌های گوناگون بررسی و پژوهش کرد. از نظر واژگانی و دستوری، از نظر قوانین حقوق مدنی و جزایی و نیز از نظر مسائل فقهی و آیینی.

۳- متن کتاب

در زیر خلاصه‌ای از مطالب پرسش‌ها آورده می‌شود تا خواننده بهتر بتواند با مطالب کتاب آشنا شود و آسان‌تر به آگاهی‌های مورد نظر دست یابد. مطالب این کتاب عبارتند از:

پرسش ۱: درباره‌ی دختری که می‌خواهد ازدواج کند و با پدرش اختلاف نظر دارد و اینکه اگر به خلاف میل پدر ازدواج کند، آیا پادشاه زن^(۱۳) خواهد بود یا نه؟

پرسش ۲: در مورد حضانت زنی که شوهرش مسلمان شده و خود زرده‌ستی باقی مانده و ازدواج دوباره‌ی او.

پرسش ۳: در مورد سرپرستی دختری که همه‌ی اعضای خانواده‌اش مسلمان شده [اند] به جز خود او.

پرسش ۴: درباره‌ی سرپرستی دختری که پدرش می‌میرد و مادرش مسلمان می‌شود و یا می‌میرد.

پرسش ۵: درباره‌ی سرپرستی دختر و یا خواهری که پدر یا برادرش مسلمان می‌شود.

پرسش ۶: درباره‌ی واگذاری سرپرستی دختر از سوی پدر به کس دیگر.

پرسش ۷: درباره‌ی واگذاری سرپرستی دختر از سوی پدر به یک زن.

پرسش ۸: درباره‌ی واگذاری سرپرستی دختر از سوی یک زن به زن دیگر.

پرسش ۹: درباره‌ی واگذاری سرپرستی زن از سوی ولی او به مردی دیگر و یا دادن استقلال به آن زن.

پرسش ۱۰: درباره‌ی واگذاری سرپرستی دختر از سوی ولی او به مردی دیگر یا شوهر دادن او به آن مرد.

پرسش ۱۱: درباره‌ی وضعیت پادشاه زنی که شوهرش مرد و او را به جانشینی خود منصوب نکرده است.

پرسش ۱۲: درباره‌ی شوهر دادن دختر سه ساله و اینکه او پس از بلوغ با این ازدواج مخالفت می‌کند و وضعیت شرعی دختر در هنگام بلوغ.

پرسش ۱۳: درباره‌ی ازدواج دختری نابالغ با یک مرد و سپس، اینکه پس از بلوغ آیا می‌تواند از آن مرد دست بکشد و زن مرد دیگری شود؟

پرسش ۱۴: درباره‌ی ازدواج دختری ۹ ساله با یک مرد و آنگاه، هنگامی که ۱۵ ساله شد، آیا می‌تواند از آن مرد دست بکشد و زن مرد دیگری شود؟

پرسش ۱۵: درباره‌ی ازدواج زنی بالغ با پسری نابالغ یا ده ساله و اینکه آیا آن پسر پس از بلوغ می‌تواند آن زن را رها کند یا نه؟

پرسش ۱۶: درباره‌ی ازدواج زنی بالغ با مردی بالغ و آنگاه، اینکه آیا زن می‌تواند پیمان‌شکنی کند و زن آن مرد نشود و گناه و توان او چیست؟

پرسش ۱۷: درباره‌ی پیمان بستن زنی با مردی در مورد ازدواج بدون آگاهی پدر خود و هنگامی که پدر آگاه می‌شود، از دختر خود می‌خواهد که از این ازدواج صرف نظر کند.

پرسش ۱۸: درباره‌ی وفات شوهر و نیز زنی که وارث ندارد و رسیدن میراث آن‌ها به شخص دیگر و گماردن قیمت بر اموال آن‌ها.

پرسش ۱۹: درباره‌ی واگذاری سرپرستی دختر از سوی پدر به خود او و اینکه اگر دختر بالغ باشد یا نابالغ حکم تفاوت دارد یا نه؟

پرسش ۲۰: درباره‌ی ازدواج مردی با دختر یا خواهر خویش و مخالفت آن‌ها و نیز اینکه آیا این ازدواج به زور و ستم قانونی و شرعاً است یا نه؟

پرسش ۲۱: درباره‌ی وفات مردی که وارث ندارد و میراث فراوانی به جای می‌گذارد و گماردن قیمت به اموال او و چگونگی تقسیم میراث او.

پرسش ۲۲: درباره‌ی وفات مردی که ثروت بسیار دارد و خواهر و دختری دارد و چگونگی تقسیم میراث مرد میان آن‌ها و چگونگی واگذاری این اموال به فرزندان آن‌ها.

پرسش ۲۳: درباره‌ی وفات مردی که ثروت بسیار دارد و تنها وارث او زنش است و فرزندی ندارد و اگر زن پس از مرگ شوهر فرزند بزراید، نحوه‌ی رسیدن میراث به فرزند او و یا اینکه بمیرد و فرزندی نزاید، اموال را چه باید کرد؟

پرسش ۲۴: درباره‌ی گماردن قیمت و نیز زن گرفتن قیمت در هنگام قیومیت و چگونگی رسیدن اموال به فرزندان او.

پرسش ۲۵: درباره‌ی گماردن زنی به قیومیت و شوهر کردن و نحوه‌ی رسیدن اموال به فرزندان او و اگر شوهر نکند و فرزند نزاید و خود بمیرد با آن اموال چه باید کرد؟

پرسش ۲۶: درباره‌ی قیمتی که زن خویش را طلاق می‌دهد و زن پس از آن پسری به دنیا می‌آورد و اینکه آیا مرد قیمت می‌تواند دوباره آن زن را به همسری خود درآورد و اگر چنین کند، نحوه‌ی رسیدن ثروت او به فرزند آن زن.

۱۳۰ / بررسی متن پهلوی روایات آذر فرنینغ فرخزادان

- پرسش ۲۷: اگر به مرد قیمتی پولی به ارزش ۲۰۰۰ داده شود و آن قیمت زن بگیرد، نحوه‌ی رسیدن این پول به فرزندان قیم چگونه است؟
- پرسش ۲۸: درباره‌ی قیمومیت زن یا دختر یا خواهر و اینکه آیا اینوکین (یعنی دختر یگانه وارث پدر یا برادر) حق دارد که خود ازدواج کند و بر تروت پدر یا برادرش قیم بگمارد یا نه؟
- پرسش ۲۹: درباره‌ی خیانت زن به شوهر و زنا کردن آن زن با مسلمانان و اینکه آیا مرد می‌تواند او را طلاق دهد یا بهتر است او را نگه دارد؟
- پرسش ۳۰: درباره‌ی مسلمان شدن کودکی ده ساله که پدرش سرپرستی او را به مرد دیگری سپرده و اینکه آیا پدر در این مورد گناهکار است یا نه؟
- پرسش ۳۱: درباره‌ی وضعیت خانه‌ای که در زیر تاقش مردی می‌میرد و حکم شرعی درباره‌ی نجس شدن خانه.
- پرسش ۳۲: درباره‌ی اجرای مراسم «سگ دید»^(۱۵) در مورد جسد.
- پرسش ۳۳: درباره‌ی جسد بیگانگان^(۱۶) و حکم شرعی آن.
- پرسش ۳۴: درباره‌ی غسل پیخگ^(۱۷) و پیدا شدن زخم بر تن فرد غسل شونده.
- پرسش ۳۵: درباره‌ی غسل نه روزه^(۱۸) و پیدا شدن زخم بر اندام غسل شونده و حکم شرعی آن.
- پرسش ۳۶: درباره‌ی جایز بودن کار کردن به هنگام عزلت نه شبه^(۱۹) در غسل برشوم.
- پرسش ۳۷: درباره‌ی بیرون اوردن جسد از آب به دست مرد هیربد و وضعیت عبادت آن مرد پس از این کار.
- پرسش ۳۸: درباره‌ی بیرون اوردن جسدی که در آب متلاشی شده است.
- پرسش ۳۹: درباره‌ی پاک شدن آبی که با چربی آمیخته شده و مدت زمانی که آن آب بی‌صرف است.
- پرسش ۴۰: درباره‌ی بیرون اوردن جسد از آب^(۲۰) در بیابان و دشت و حکم شرعی آن.

پرسش ۴۱: درباره‌ی رسیدن مردی تنها به یک جسد و چگونگی رفتار آن مرد با آن جسد.

پرسش ۴۲: درباره‌ی دشت بزرگ پر آب که جسدی در میان آن افتاده است و چگونگی بیرون آوردن آن جسد از آب.

پرسش ۴۳: درباره‌ی وضعیت چاهی که در آتشکده‌ای قرار دارد و آب آن به عفونت و مدار آمیخته شده است.

پرسش ۴۴: درباره‌ی وضعیت چاهی که از آجر ساخته شده و سگی مرده در آن قرار دارد.

پرسش ۴۵: درباره‌ی آب خوردن از آب روانی که در آن جسدی متلاشی شده است.

پرسش ۴۶: درباره‌ی جسد جنینی که در زهدان مادر است و چگونگی حکم شرعی آن.

پرسش ۴۷: درباره‌ی هیخر^(۲۱) (آلدگی) و عفونت مردگان.

پرسش ۴۸: درباره‌ی خوردن مردار^(۲۲) به سهو^(۲۳).

پرسش ۴۹: درباره‌ی خوردن دندان^(۲۴) و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۰: درباره‌ی پاک شدن استودان^(۲۵) از آلدگی مردگان.

پرسش ۵۱: درباره‌ی اسیب زدن مرد به زن آبستن خویش و ساقط شدن جنین و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۲: درباره‌ی نیستن کشتی^(۲۶) (کمربند دینی) و تبعات آن و توبه از این گناه و چگونگی جبران آن.

پرسش ۵۳: درباره‌ی مردی که کشتی بگشاید و در طول سال بمیرد و از آن گناه پیش از مرگ توبه کند و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۴: درباره‌ی گاز گرفتن اندرون دهان و آمدن خون و خوردن آن^(۲۷) خون و حکم شرعی درباره‌ی آن.

پرسش ۵۵: درباره‌ی وضعیت مردی که خوراک گرم بخورد و دهانش بسوزد و تاول زند و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۵: درباره‌ی وضعیت دو مرد که با هم نزاع کنند و یکی دیگری را به دندان گاز بگیرد و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۶: درباره‌ی جنگ کردن مرد زرده‌شده با فرد مسلمان و یا راهزن و گاز گرفتن آنها و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۷: درباره‌ی جنگ دو مرد با یکدیگر و گناه و توان آن و گاز گرفتن یکدیگر و حکم شرعی آن.

پرسش ۵۸: درباره‌ی کودکی ۸ ساله که زیان و آسیبی به کودک همسال خویش و یا به فرد بالغی برساند و گناه و توان آن.

پرسش ۵۹: درباره‌ی شهادت دادن مردی که گناهان کبیره از دیگران بییند، ولی شاهدی ندارد و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۰: درباره‌ی گناه دروغ گفتن درباره‌ی دیگران و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۱: درباره‌ی وضعیت شوهر با همسر خویش در مورد تقسیم ثروتشن بین فرزندانش.

پرسش ۶۲: درباره‌ی دیدن جسدی که در راهی افتاده است و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۳: در مورد مردی که بر جسدی ادرار کند و آن جسد را نجنباند^(۳۸) و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۴: در مورد آبی که جسدی در آن افتاده است و حکم شرعی در مورد کسی که دست خود را به این آب بزند.

پرسش ۶۵: در مورد دادن وام به کسی و اینکه پس از مرگ آن کس، چه کسی باید وام را بازپرداخت کند.

پرسش ۶۶: در مورد مردی که از کسی طلبکار است و آن مرد می‌گوید ندارم و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۷: در مورد وام و گرو و حکم شرعی آن.

پرسش ۶۸: در مورد کسی که قرض گرفته و او را مالی نیست و پس دادن وام برایش می‌تر نیست و حکم شرعی آن.

- پرسش ۷۰: در مورد کسی که می‌میرد و او را پادشاه زنی بود و به برادر خویش می‌گوید که این را به زنی گیر و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۱: درباره‌ی مردی که دختر جوانی داشته و ثروتمند بوده و آن دختر مرده و پدر پسری از چکر زن^(۲۹) داشته و اینکه آیا پس از مرگ پدر ثروت او بر دوده‌ی دختر می‌رسد یا به پسر و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۲: در مورد مدعی که شهادتی را به وسیله‌ی یک یا دو شاهد ادا می‌کند و متهم منکر است و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۳: در مورد چکر زنی که او را پسر بالغی است و اگر او بدون اجازه و آگاهی پسر شوهر کند، شایسته است یا نه و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۴: در مورد کسی که سوگند بخورد که هر کار و کرفه که از امروز انجام دهم، آنگاه من به فلان کس می‌دهم، به او داده شود یا نه و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۵: در مورد پیمان فرزند خواندگی و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۶: در مورد کار و کرفه‌ای که فرزند چکر زن انجام می‌دهد و تقسیم آن بین پادشاه پدر و چکر پدر و حکم شرعی آن.
- پرسش ۷۷: در مورد مردی که او را به گیتی پادشاه زن و فرزند نیست و اینکه آیا در مینو دارای اینها است یا نه؟
- پرسش ۷۸: مردی زنی را به پادشاه زنی می‌پذیرد و بیش او نمی‌خوابد و او را به چکر زنی به مردی می‌دهد و اینکه به مینویی برای او آن زن، پادشاه زن باشد یا نه؟
- پرسش ۷۹: زنی که فرزند مرد زاییده بیش از سه شب^(۳۰) به او چه خوراکی دهنده و چه خوراکی ندهنده و شیوه‌ی مراقبت از او و حکم شرعی آن.
- پرسش ۸۰: در مورد زنی که از او دشتک^(۳۱) می‌آید و اینکه کدام را می‌توان به عنوان مردار در نظر داشت و کدام را نمی‌توان و حکم شرعی آن.
- پرسش ۸۱: در مورد مردن زنی آبستان و حکم شرعی آن.
- پرسش ۸۲: در مورد مردن مرد بِه دین در کاروان جدا دینان و حکم شرعی آن.

۱۳۴ بررسی متن پهلوی روایات آذر فرنیخ فرخزادان

پرسش ۸۳: در مورد خرمون گندمی که مردار به آن می‌رسد و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۴: در مورد مردی که بر دستش زخم باشد و آن را در سبوی آب یا خمره‌ی می‌فرو برد و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۵: در مورد مردی که در حال فشردن می‌پایش ببرد و حکم شرعی آن، و مردن گرزه^(۲۲) در خم می‌و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۶: در مورد کسی که در هنگام غذا خوردن از دندانش خون می‌آید و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۷: در مورد کسی که به دستش آبله یا زخم چرکی و خون باشد و دست به غذا بزند و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۸: در مورد کسی که در هنگام آسیاب کردن غله دستش زخم می‌شود و حکم شرعی آن.

پرسش ۸۹: در مورد کسی که در هنگام غذا خوردن یک تکه از دندانش را می‌شکند و آن را می‌بلند و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۰: در مورد چاهی که در آن مردار می‌افتد و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۱: در مورد مردی بِهٔ دین که از بازار جامه‌ای می‌خرد و تعیین می‌کند که آن جامه نجس است و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۲: در مورد دندان یا مو و خلال دندان مرده که پس از مردن انسان کدام را باید نجس فرض کرد و کدام را نه، و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۳: در مورد دیدن جسدی که در راه افتاده است و حکم شرعی در مورد آن.

پرسش ۹۴: درباره‌ی مردی بِهٔ دین که در راه به پشت یا سینه‌ی جسدی دست زند و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۵: در مورد زنی که بعد از دشستان پای خود را آن قدر شوید که از آن خون آید و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۶: در مورد جوی آبی که در آن مردار مانده است و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۷: در مورد نگه داشتن دندان زندگان و حکم شرعی درباره‌ی آن.

پرسش ۹۸: در مورد مرغی که میل دارد خون بخورد و حکم شرعی آن.

پرسش ۹۹: در مورد گوسفندی که دست مردم را به دندان می‌گیرد و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۰: در مورد کسی که دندان یا مردار ببلعد و اینکه تا چند روز نباید آب بخورد و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۱: در مورد کسی که پیش از مردن دندانی را در یک تکه پارچه می‌بنند و جایی می‌نهاد و حکم شرعی درباره‌ی آن.

پرسش ۱۰۲: در مورد جسدی که بر بامی است و سگ از زیر آن جسد را نمی‌بیند و در مورد چگونگی بردن سگ بر بالای بام و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۳: در مورد مردی به دین که در کاروانسرا است و بر بالای بام آن به دینی می‌برد و گذر مرد به دین به جایی می‌افتد که مرده را از آنجا می‌برند و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۴: در مورد کسی که در بیابان به چاهی می‌رسد که در آن مردار افتاده است و دیگر در آن اطراف آبی نیست و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۵: درباره‌ی آبگیری که در آن پاره‌ای از اندام مردار افتاده است و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۶: درباره‌ی مردی که آرد خمیر می‌کند و می‌بیند که دستش خون آمده است و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۷: درباره‌ی دیگی که در حال جوشش است و از آن چیزی که در حال جوشش است، به دست کسی می‌افتد و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۸: درباره‌ی انبار هیزمی که درون آن مرداری وجود دارد و حکم شرعی آن.

پرسش ۱۰۹: درباره‌ی تنوری که دست بدان بسوزد و بعد کسی از آن تنور نان بخورد و حکم شرعی آن.

برای آشنایی بیشتر با این متن و آکاهی از نگارش آن، ترجمه‌ی چند پرسش و پاسخ را در اینجا می‌آوریم.

۱-۳- در مورد فرزند خواندگی

پرسش ۱۳: مردی که دختری را برای دختری (= فرزند خواندگی) به مردی بدهد، آنگاه، سرپرستی او (= یعنی دختر) به کیست؟
پاسخ: [سالاری] برای آن شخص است که [پدر دختر را] بدو می‌دهد.

۲-۳- در مورد طهارت و نجاست

پرسش ۱۴: مردی هیرید^(۳۷) که جسدی را از آب بیرون آورد، [آیا] مناسب است، عبادت کند یا [نخست] باید غسل کند؟
پاسخ: اگر درست، آنگونه [در دین] گفته شده است [آن جسد را] بیرون آورد،
مباح است عبادت کند، اما به هر حال، جایز است برای خوی نیک غسل کند.

۳-۳- درباره‌ی شهادت دروغ

پرسش ۱۵: مردی که دروغ درباره‌ی مردی بگوید، گناه [او] چیست؟
پاسخ: هرگاه که داوران چنین اظهار دارند که گواهیش را می‌پذیرند، آن که
گواهی می‌دهد، [نیز حکم] همانند [مورد قبلی] است، و اگر تنها آنچه می‌گوید، چنان
[باشد] که زیانی از آن متوجه متهمن نیست، [سخن او] گفتاری است که [ناشی از]
اندیشه‌ی بد است، اگر که [از آن دروغ] زیانی ناشی شود، [عمل او] گناه است.

۴-۳- درباره‌ی وام و گرو

پرسش ۱۶: کسی که قرض [گرفته] و او را مالی نیست و [بس] دادن وام
[برای]ش می‌ست نیست، [اگر] او را زندان کنند، [آیا] قاضی می‌تواند مرد را مدتی
در زندان [نگه] دارد؟ آزاد کردن او بر طبق چه قانونی بود؟ و اگر مرد از مشکلی
که در زندان به خود و زن و فرزندش می‌رسد، [جانش] از مرگ و بیماری در
خطر باشد، [او را] تا چه مدت می‌توان در زندان نگه داشت؟

پاسخ: آنکه پیداست که او را چیزی نیست (ثروتی ندارد)، بلکه نسبت به
پرداخت [وام] استواری [توان] ندارد، در زندان نمی‌توان [نگه] داشت. [قانون] در

عمل چنین مقرز داشته است که او را پنج روز در زندان نگه دارند و پس آن را توان کار کردن [دارد] فرمان کار [بدهنند] و روزی او را محاسبه [کنند] و بقیه را برای قرض به حساب [بیاورند] و کسی را که نمی‌تواند کار کند، روزی اندک بدهنند.

۵-۳- درباره‌ی گناه و ثواب

پرسش ۱۵: مردی که زن [آبستن] خویش را زخم زند و کودک را بیافکند، گناه آن مرد چه اندازه است؟
پاسخ: مستحق مرگ (۳۳) باشد.

۶-۳- درباره‌ی جنگ و نزاع

پرسش ۱۶: مردی که با مردی، یکی با دیگری، جنگ کند، آن که پس [از او] جنگ کند و در آن جنگ کردن آن دیگری را به دندان بگیرد و مردارش (۲۵) را بخورد، آن [مرد] پیشین [که جنگ را آغاز کرد] به سبب مردار خوردن [آن مرد دوم] نجس می‌شود یا نه؟
پاسخ: چنان که من می‌دانم آنکه به دندان نگیرد، نه نجس شود نه نیز مستحق مرگ.

۴- نتیجه

بسیاری از مسایل مطرح شده در این مقاله از برخی جوابات برای پژوهشگر روشن نیست، زیرا با توجه به منابع قابل دسترسی، بسیاری از مسایل فقهی و حقوقی مطرح شده در اثر حاضر به طور کامل قابل درک نمی‌باشد. چرا که ما امروزه هیچ کتاب و نوشته‌ی حقوقی کاملی از قوانین مدنی و جزایی زرده‌ستان دوران ساسانی و اوایل اسلام در دسترس نداریم. آثار فقهی و حقوقی بازمانده به پارسی میانه هیچ کدام کامل و جامع نیستند و همه‌ی قوانین زرده‌ستان را پیش روی ما نمی‌گذارند. از طرف دیگر، فقه و حقوق زرده‌ستان نیز در طول تاریخ و روزگار بسیار متحول گشته و بسیاری از قوانین آن دوران متروک و مهجور

گشته‌اند و نیز ایجازی که در برخی از پرسش‌ها و پاسخ‌های این کتاب است، مشکل را در فهم بعضی از مطالب دو چندان می‌کند. در بسیاری از پرسش‌ها مطالبی عنوان شده که هم برای پرسش‌گر و هم برای پاسخ‌دهنده واضح و روشن بوده و هر دو طرف از آن مطالب آگاه بوده‌اند، از این رو، برای ما که با قوانین آن دوران کاملاً آشنا نیستیم، ایجاد ابهام در فهم این مطالب می‌کند. با وجود این، در این کتاب ما کمتر دچار ابهام و پیچیدگی می‌شویم، زیرا سبک نگارش آن ساده و روشن و کم ابهام است و اگر ابهامی هم هست یا از افتادگی نسخه‌ها و غلط‌های املایی ناشی می‌شود یا از بی‌اطلاعی ما از بعضی از قوانین آن دوران، به نظر اینجانب پژوهشگران و علاقه‌مندان به متون فقهی می‌تواند این اثر را از جوانب گوناگون فقهی و حقوقی و دینی و زبانشناسی و دستوری و واژگانی مورد بررسی و پژوهش قرار دهدند و بسیاری از سنت‌ها و آداب و عقاید زرده‌شیان را از این کتاب می‌توانند استخراج کنند و در معرض دید دیگران قرار دهند تا با تحولات فرهنگی و اجتماعی ایران در سده‌ی دوم و سوم هجری آشنایی بیشتری بیابند.

یادداشت‌ها

- ۱- تفضلی، دکتر احمد، ۱۳۷۷، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، انتشارات سخن.
- ۲- همان کتاب، ص ۱۲۹.
- ۳- هدایت، صادق، ۱۳۱۸، مجموعه‌ی نوشته‌های پراکنده، گجسته اbalish، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- ۴- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۸، تاریخ ایران بعد از اسلام، انتشارات امیرکبیر، تهران، ص ۴۹۸.
- 5- Anklesria, B.T., The Pahlavi Rivāyat of Ātur farnbay and faranbag srōš, Bombay, 1969, P. 38/40, 41, 42, 47.
- 6- Ibid, p37, 47.
- 7- Ibid, p19, 22, 23, 24, 26, 27, 29, 30, 31.

- 8- Ibid, p28, 45.
- 9- Ibid, p18, 19, 20, 21, ...
- 10- Ibid, p23, 25, 37, 39, 41, 43.
- 11- Ibid, p19, 21, 28, 29, 30, 34, 35, 36, 44.
- 12- Ibid, p18, 20, 21, 22, 23, 24, 25, 26, 27, ...
- 13- Anklesria, B.T., Rivāyat - ī Hēmīt – ī Ašavahišān, Bombay, 1962.

- ۱۴ «پادشاه زن» اصطلاحاً در فقه زردشتی به دختر باکرها گفته می‌شود که با رضایت ولی خویش به خانه‌ی شوهر رود و از حقوق بالایی بهره‌مند است. برای مثال، حتی می‌تواند سرپرست خانواده شود و شوهر فقط در صورت سر زدن گناهان کبیره از نظر دین زردشتی می‌تواند پادشاه زن را طلاق دهد. در نتیجه، پادشاه زن، زن درجه‌ی اول و ممتاز است و اگر پادشاه زن جانشین شوهرش می‌شد، اگر دوباره ازدواج می‌کرد، مجدداً مقام پادشاه زنی را کسب می‌کرد.

- ۱۵ «سگ دید» به آینی گفته می‌شود که مطابق دین زردشتی هر کس که بمیرد جسدش را به نوعی سگ نشان می‌دهند تا دیو نوش یا دیو آشتفتگی جسد را از آن دور سازد و گریزان کند. (واژه. شایست، صص ۲۱۲-۲۱۳).

- ۱۶ واژه‌ای که در متن به کار رفته *anērān* می‌باشد که هم به معنی بیگانگان است و هم به معنی مسلمانان. اما به نظر می‌آید که در اینجا «بیگانگان»، ترجمه‌ی مناسبتری باشد، زیرا از نظر فقه زردشتی هر کس که زردشتی نباشد، بیگانه است و جسد او نجس نیست.

- ۱۷ «پیخگ» اصطلاحاً به قاشقی گفته می‌شود که دسته‌ی آن از نی نه گره باشد و موبید با آن قاشق آب تقدیس شده را به فرد نجس می‌ربزد تا مراسم طهارت را اجرا کند و خود واژه‌ی پیخگ از واژه‌ی اوستایی *pixag* به معنی گره آمده است و در متن به صورت پیشگ نوشته شده که برخی آن را به غسل اندام به اندام ترجمه کرده‌اند. اما چون خود اصلاح *sustan* در متون دیگر نیز آمده، به نظر می‌آید

Pixag درست‌تر از pēšag باشد که از نظر املایی هم شبیه‌اند (واژه). شایست، ص ۱۴۳).

-۱۸ - برشنوم، اصطلاحاً به غسل میت گفته می‌شود، یعنی فردی یک تنۀ مرده را تکان دهد یا او را لمس کند. این آینه که بسیار مراسم مفصلی دارد، ۹ شبانه روز طول می‌کشد و حتماً باید در مورد فرد نجس اجرا شود و برخی نیز به علت اینکه آن را پر ثواب می‌دانند، بدون اینکه نجس شده باشند، در این مراسم شرکت می‌کنند. در مورد این پرسش چون در دین زرداشتی هر بخشی یا اندامی از تن انسان زنده جدا شود، در حکم مرده است، فرد زنده را نجس می‌کند و باید حتماً با این غسل خود را طاهر کند. (واژه. شایست، صص ۱۰۳-۱۰۴)

-۱۹ - عزلت نه شبه بخشی از آینه غسل برشنوم است که غسل شونده باید ۹ شب دور از دیگران در مکان خاص تنها‌یی گزیند و به عبادت پردازد. (روا. امید، ص ۲۸۶).

-۲۰ - در فقه زرداشتی یک تنۀ حمل کردن جسد گناه است و فرد را نجس می‌کند و باید فرد نجس را مطابق غسل برشنوم یعنی غسل مس میت تطهیر کرد. (واژه. شایست، ص ۹۲)

-۲۱ - واژه‌ی هیخر در فارسی میانه و در فقه زرداشتی به تمامی آنچه از بدن دفع و ترشح می‌شود و یا عضوی که از بدن زنده و مرده جدا می‌گردد، اطلاق می‌شود که از نظر فقه زرداشتی در حکم جسد است و نجس می‌باشد، خود واژه‌ی هیخر به فارسی دری رسیده است. (روا. امید، ص ۲۹۶).

-۲۲ - واژه nasā در متن آمده و در فقه زرداشتی این واژه علاوه بر جسد به هر بخشی از اندام انسان که جدا گردد و بمیرد، اطلاق می‌شود و در حکم مردار و خوردن آن حرام است. (روا. امید، ص ۱۳۹)

-۲۳ - واژه‌ی سهو و سهواً ترجمه‌ی عبارت «به بی‌گناهی» است، یعنی که فرد بدون نیت گناه کردن، یعنی سهوآ مرداری بخورد.

- ۲۴ دندان که از لثه جدا شد، در حکم مردار است و انسان را نجس می‌کند، از این رو، مطابق فقه زردهستی اگر با آب نیز آمیخته شود، چون آب تراست و هر چیز تر نجاست را منتقل می‌کند، پس تمام اندام‌های آب نوشیده را نجس خواهد کرد، زیرا آب به همه‌ی اندام‌ها نفوذ می‌کند. (روا. امید، ص ۲۹۶).
- ۲۵ استودان مکانی است که در آن استخوان مردگان را می‌ریزند.
- ۲۶ کشتی به کمر بند دینی زردهستیان که نشان ایمان آن‌ها به دین مزدا پرستی است، گفته می‌شود و گشودن آن به طور دائم گناه کبیره به شمار می‌رود، پس کشتی گشودن به معنی راه رفتن بدون بستن کشتی است. (واژه. شایست، ص ۲۱۸).
- ۲۷ در فقه زردهستی خوردن خون حرام است و حکم مردار خواری را دارد و از این رو فرد مزبور باید غسل کند تا از نجاست رهایی یابد. (روا. امید، ص ۱۳۹).
- ۲۸ *jumbēnēd* "تکان دهد، جنباند، لمس کند".
- ۲۹ چکر زن یا چاکر زن "اگر زنی شوهرش فوت شود و او را به شوهر دیگری بدهند، این زن به چاکری شوهر اول به خانه‌ی شوهر دوم می‌رود و چکر زن خوانده می‌شود (فرهنگ بهدینان).
- ۳۰ سه شب منظور سه شب اول پس از درگذشت کسی است. و روزهای سروش، روزهای سه شب اول در گذشت کسی است و منظور از آن سه روز پرهیزی است که در خانه‌ای که کسی درگذشته باید به جا آورد و آن عبارت است از این که در این سه روز و سه شب دود نباید از آشپزخانه برآید و گوشت نباید در آن خانه مصرف شود. (واژه. شایست، ص ۱۸۰).
- ۳۱ دشتک یا دشتان منظور حیض و حائضه است. در این مدت معمولاً محلی را در خانه دورتر از محل سکونت سایر افراد (پاک) برای زنان

- دشتن قرار می‌دادند که در مذت حیض بودن می‌باید زن به دور از آب و آتش و مرد در آن سکونت کند تا پاک گردد. (واژه، شایست، ص ۳۱۶).
- ۳۲- گرزه، گرزک، بر وزن هرزه نوعی از مار است و بعضی گویند ماری باشد سربزرگ و پر خط و خال و زهر او زیاده از مارهای دیگر است و هیچ تریاقی به زهر او مقاومت نکند و در بعضی از ولایات دارالمرز، موش را گرزه گویند. (برهان).
- ۳۳- هیربد، روحانی موظف به آموزش علوم دینی، فقیه.
- ۳۴- واژه در متن «مرگ ارزان» است، یعنی کسی که مستحق مرگ است و نیز به معنی گناه کبیره است. که کفاره‌ی آن فقط مرگ می‌تواند باشد. (روا. امید، ص ۲۹۵).
- ۳۵- بخش جدا شده‌ی تن که با دندان جدا شده، مردار به شمار آید. (روا. امید، ص ۲۹۶).

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم پزشکی

- | کتابنامه | |
|----------|--|
| ۱- | آموزگار، ژاله و تفضلی، احمد، ۱۳۷۵، زبان پهلوی، ادبیات و دستور آن، انتشارات معین، چاپ دوم، تهران. |
| ۲- | ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۵، راهنمای زبان‌های باستانی ایران، سازمان سمت، تهران. |
| ۳- | ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۳، تاریخ زبان فارسی، سازمان سمت، تهران. |
| ۴- | ابوالقاسمی، محسن، ۱۳۷۵، دستور تاریخی زبان فارسی، سازمان سمت، تهران. |
| ۵- | بهار، مهرداد، ۱۳۴۵، واژه‌نامه‌ی بندesh، بنیاد فرهنگ ایران، تهران. |
| ۶- | بهار، مهرداد، ۱۳۵۱، واژه‌نامه‌ی گزیده‌های زادسیرم، بنیاد فرهنگ ایران، تهران. |
| ۷- | بهار، مهرداد، ۱۳۶۲، پژوهشی در اساطیر ایران، انتشارات آگاه، تهران. |
| ۸- | بهار، مهرداد، ۱۳۶۹، بندesh، انتشارات توسع، تهران. |

- ۹- تفضلی، احمد، ۱۳۴۸، واژه‌نامه‌ی مینوی خرد، بنیاد فرهنگ ایران، تهران.
 - ۱۰- تفضلی، احمد، ۱۳۶۴، ترجمه‌ی مینوی خرد، چاپ دوم، انتشارات توسعه، تهران.
 - ۱۱- تفضلی، احمد، ۱۳۷۶، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، به کوشش زاله آموزگار، انتشارات سخن، تهران.
 - ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۶۸، تاریخ ایران بعد از اسلام، مؤسسه‌ی انتشارات امیرکبیر، تهران.
 - ۱۳- صفائی اصفهانی، نزهت، ۱۳۷۶، روایت امید اشو و هیستان، نشر مرکز، تهران.
 - ۱۴- طاووسی، محمود، ۱۳۶۵، واژه‌نامه‌ی شایست نشایست، انتشارات دانشگاه شیراز، شیراز.
 - ۱۵- فرهوشی، بهرام، ۱۳۵۲، فرهنگ پهلوی، انتشارات دانشگاه تهران.
 - ۱۶- مکنی، دن، ۱۳۷۳، فرهنگ کوچک زبان پهلوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ترجمه‌ی مهشید میرفخرابی، تهران.
 - ۱۷- هدایت، صادق، ۱۳۱۸، مجموعه‌ی نوشته‌های پراکنده- گجسته اباليش، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- 18- Anklesria, B.T., 1962, Rivāyat-ī Hemīt-ī Ašavahištan, Bombay.
 - 19- Anklesria, B. T., 1969, The Pahlavi Rivāyat of Āturfarnbay and farnbag srōš, Bombay.
 - 20- Boyce, M., (a); 1975, A Reader in Manichean Middle Persian and Parthian, Acta Iranica 9, Téhéran- liége.
 - 21- Boyce, M., 1977, A word-list of Manichean Middle Persian and Parthian, Acta Iranica 9a, Téhéran- liége.
 - 22- Kent, R.G., 1953, Old Persian, New Haven.
 - 23- Machkenzie, D.N., 1971, A concise Pahlavi Dictionary, London, Oxford University Pres.
 - 24- Nyberg, H. S., 1964, A Manual of Pahlavi, I, Wiesbaden.
 - 25- Nyberg, H. S., 1974, A Manual of Pahlavi, II, Wiesbaden.
 - 26- Reichlet, H., 1968, Avesta Reader, Berlin.



مرکز تحقیقات کامپیوئر علوم اسلامی